

طوفان یا گرد باد؟!

" عطا محمد نور، والی بلخ هشدار می دهد افرادی که داعیه صلح را با هراس افغانان بلند کرده اند، خون برهان الدین ربانی را نادیده نگیرند که با طوفان شدیدی روبرو خواهند شد." (afghanpaper)

عطا محمد نور، حاکم خودمختار نظامی در ولایت باستانی بلخ که بیشتر از یک دهه در همین مقام باد آورده، ببخشید (B52) آورده، بی خیال لمیده است و این مقام را میراث پدری خود می شمارد (چون گویا جهاد کرده است)، هرگز و هرگز در مورد گورهای دسته جمعی متعددی که در بلخ و مزار شریف و اطراف و اکناف آن سر از خاک سیه بدر کردند، سخنی به میان نیاورده و حتی از یک تسلیت خشک و خالی هم به خانواده های آن قربانیان سرافراز، آنانی که با قامت های استوار و سرهای افراشته، بی ترس و بی هراس به قربانگاه ها شتافتند و از خیرات سر آن جانبازان، امروز افراد زبونی چون عطا محمد و امثال شان به جاه و مقام و ثروت و قدرت رسیده اند، ابا ورزید. او از میان آن همه خونهای ریخته شده و از میان بیش از دومیلیون شهید راه آزادی و عدالت، صرف به خون ناپاک برهان الدین ربانی چسبیده است و هشدار میدهد که " خون برهان الدین ربانی را نادیده نگیرند که با طوفان شدیدی روبرو خواهند شد."

جناب عطا محمد، شما (ناچارم که جهت احترام به قلم، از الفاظ جناب و شما بر وجود بی وجود افرادی چون عطا محمد، استفاده نمایم.) حتی لیاقت و اهلیت کنترل و اداره جمعیت اسلامی تانرا نیز ندارید و چون حزب مربوطه تان یک حزب موروثی است، فرزند ربانی آنرا به میراث میبرد و به ریش شما میخندند. شما با این قفله بازی ها و اخطار دادن ها، نه به ریاست جمعیت اسلامی میرسید و نه هم در دهن شما کسی پیاز ریزه میکند. این بچه ترسانی ها در صورتی کار آمد و جدی تلقی میگردید که شما را با (B52) پیوندی و الفتی نمی بود و به اراده و خواست مردم به این مقام میرسیدید. شما از روی لطف، مردم بلا دیده ما را از " طوفان"، نترسانید و از این بچه ترسانی ها بگذرید که برای تان عاقبت خوشی ندارد و این طوفان مورد نظر شما که در حقیقت گردبادی بیش نیست، در قدم نخست، گرد خود شما را بر باد خواهد داد.

" وی که در مراسم انتقال مسوولیت های امنیتی ولایت بلخ سخنرانی می کرد همچنین گفت در روند گفتگوها با طالبان باید طرف اصلی که رهبران جهاد و مقاومت اند شریک ساخته شوند."

منظور شما از "رهبران جهاد و مقاومت"، همان افرادی اند که یک ملت را به خاک و خون کشانیدند و یک کشور را به ویرانه مبدل ساختند و سر تقسیم قدرت چنان بجان همدیگر افتیدند و دمار از روزگار همدیگر و روزگار مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان بدر آوردند که تاریخ افغانستان هرگز نظیر آنرا بیاد ندارد؟!

همان رهبرانی که با رسیدن طالبان به دروازه های کابل، چنان جانانه فرار کردند که بازهم تاریخ نظیر آنرا بیاد ندارد. همان رهبران تنظیم ها که از ترس طالبان، سرحدات کشور را پشت سر گذاشته و آب شده به زمین فرو رفتند. و باز همان رهبرانی که در زیر سایه گول پیکر و مهیب (B52) سر از خاک بیرون کردند و با شتاب راهی ویرانه سرائی بنام کابل گردیدند و تا امروز به نام های مختلف، یک کشور را به گروگان گرفته اند.

بلی جناب عطا محمد! شما با این اخطار دادن های تان نه به ریاست جمعیت تان خواهید رسید و نه هم یک قدم بدون اجازه اربابان خارجی تان گذاشته میتوانید. فکر نکنید که با انتقال مسوولیت های امنیتی ولایت بلخ، هر غلط ای که خواسته باشید خواهید کرد.

اگر جرأت و شهامت دارید و اگر سخن مفت نمی گوئید، دا گز او دا میدان!! طالبان حتی حاضر نیستند با حکومت کابل مذاکره نمایند، جنگ سالاران و رهبران شان را صبر است. آنان مذاکرات خود را با باداران امریکائی تان آغاز کرده و ادامه میدهند و شما و رهبران جنایتکار تانرا به پیشیزی هم نمی خرند. همین شما ها نبودید که در سایه (B52) چنان وحشتی را در بلخ و بخصوص مزار شریف برپا ساختید که قلم از نوشتن آن شرم دارد.

به تصاویر ذیل دقت کنید، مشت نمونه خروار و ذره از بسیار است. (این تصاویر بار بار نشر شده و بار بار نشر میشوند تا به افرادی چون عطا محمد و امثال شان فهمانده شود که مردم فراموشکار نیستند).



حال چگونه توقع دارید که همان طالبان با چنان رفتار وحشت آور و لچکانه و کثیف که با نیرو های تسلیم شده و اسیران جنگی شان انجام دادید، شما را به پیشیزی بخرند و جدی بیگیرند و شما و رهبران جنایت پیشه تانرا به عنوان جناح مقابل مذاکرات خود به رسمیت بشناسند؟

ربانی را زد و بند های پیدا و پنهان و قدرت خواهی و شهرت طلبی به کام مرگ فرستاد، درحالیکه هیچ دستاوردی در شورای نام نهاد صلح نداشت و میلیون ها دالر را بنام شورای صلح غارت کرد و برباد داد. آنانیکه در قتل او شرکت داشتند، همین اکنون در همان شورای صلح نام نهاد حضور دارند و کسی برای شان گفته نمیتواند که بالای چشم شان ابرو است.

عطا محمد میگوید: "... مردم افغانستان به هیچ وجه نمی خواهند به دوران سیاه و شوم کیبل و ظلم طالبان باز گردند و چیزی به نام امارت اسلامی و نظام طالبانی را قبول ندارند."

بجا میفرمائید جناب عطا محمد! اما آیا شرافتمندانه، اگر چنین لغتی در قاموس تان موجود باشد، گفته میتوانید که مردم افغانستان به حکومت حزبی و تنظیمی و یا حکومت ائتلافی تنظیمی - خلقی - پرچمی، چه نظری خواهند داشت؟ شما از دوران سیاه و شوم کیبل و ظلم طالبان و امارت اسلامی و نظام طالبانی، سخن میگوئید، چرا شهامت آنرا ندارید که از دوران خون و خیانت و جنایت و قساوت تنظیم ها یعنی از سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ صحبت کنید؟ سال هایی که مردم بینوا و بی گناه و بی دفاع کابل حتی قادر به جمع آوری و کفن و دفن عزیزان خود نبودند، سال هایی که جمعیت اسلامی شما فاجعه افشار و قتل عام در کارته سه کابل را رقم زد، سال های خونین و جنایتباری که کابل را به ویرانه مبدل ساختید و از کوچه کوچه آن خون جاری بود. مردم خوب به یاد دارند آن خاطرات وحشتبار و خونین را و تاریخ آن دوران وحشتناک را در سینه خود جاها داده و برای ابدالابد ثبت صفحات خود نموده است.

"وی گفت؛ ما مخالف هرگونه تجزیه افغانستان به مناطق و زون های زیر نفوذ گروهها و بخصوص گروه طالبان هستیم."

یعنی اینکه در حقیقت مخالف تجزیه افغانستان به مناطق و زون ها نیستیم، اما اگر این تجزیه به مناطق و زون ها زیر نفوذ گروهها و بخصوص طالبان باشد، در آنصورت مخالف هستیم. مگر زیر نفوذ ما و رفقای ما، مشکلی ندارد. او میگوید: "... داعیان صلح و آنانی که فریاد صلح سر می دهند، بدانند که خاموشی در حصه شهادت استاد ربانی؛ طوفانی را در پی خواهد داشت." یعنی اگر واقعاً صلح به کشور برگردد و در قسمت کشته شدن ربانی، خاموش باشند، پس انتقام خون ربانی از برگشت صلح در کشور مقدم تر و مهم تر و حیاتی تر است و در صورتیکه چنین اتفاقی بیفتد و کشور گویا به صلح نائل آید، عطا محمد و همراهان، طوفانی برپا خواهند کرد و ... "وی افزود که نیروهای نظامی باید به سلاح و ادوات نظامی پیشرفته چون راکت های زمین به هوا و هوا به زمین، طیاره های جنگی و سلاحهای پیشرفته دیگر مجهز شوند."

این بدان معنی تواند بود که جناب شان از بادران امریکائی خود عاجزانه استغاثه دارند که برای او و اطرافیانش سلاح و مهمات پیشرفته جنگی ارزانی فرمایند تا او بتواند بوسیله آنها، " طوفان " مورد نظر را برپا نموده و یکبار دیگر کشور را به سال های خونین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ برگرداند. زهی خیال باطل.

"والی بلخ گفت که جامعه جهانی در این قسمت آماده نیستند و دولت باید از معاش مسوولان دولت کم کرده و وسایل نظامی بخصوص تجهیزات هوایی، خریداری کند."

جناب عطا محمد! شما از سر شفقت و از روی لطف، از یک ماه معاش خود و لا و لشکر مفت خورتان بگذرید و عاید صرف یک ماه، چند بلند منزل تانرا فقط و فقط در راه مبارزه با فقر و بیکاری هدیه کنید، وسایل نظامی و تجهیزات هوایی، لقمه بزرگتر از دهان شماست.

"اشراف غنی احمد زی، رئیس کمیته نظارت بر روند انتقال قدرت نیز در این مراسم به دشمنان کشور هشدار داد که اگر لازم باشد کاه و علف می خوریم ولی نهادهای امنیتی خود را تمویل می کنیم و این برای بقاء ملی ما است که کسی نباید در این مورد شک و تردید داشته باشد."

درکاه و علف خوردن شما جای هیچ شک و تردید نیست جناب احمدزی، یک عده دیگر هم گفته بودند که در صورت راه نیافتن به پارلمان، به کوه بالا خواهند شد و یک خانم دیگر هم از همان قماش، جهت راه یافتن دوباره به پارلمان، نمایش مضحک اعتصاب غذایی را تا سرحد مرگ، براه انداخت و ...

نیروهای امنیتی شما هم، یا اکثراً طالب از آب می برآیند و یا هم تروریست و یا هم با شنیدن آواز تفنگی در گریز گریز و جستجوی راه فرار. لازم نیست شما علف بخورید و آن نهاد های اکثریت تنظیمی و طالبی را تمویل و تجهیز کنید.

عجب دور و زمانه ایست ! یکی از کیسه خلیفه می بخشد، دیگری کاه و علف میخورد، آن دیگری به کوه بالا میشود و یکی دیگر که هر شام و پگاه گلو پاره میکرد و با بوق و کرنا فریاد میزد که: " شرمندۀ انتخاب خویشتم."، در مرگ ربانی و مسعود و داوود و . . . ، یخن میدرد و در مدح عطا محمد گلو پاره میکند. در این عصر و زمانه دیگر مردم فریبی، بازار و خریداری ندارد و اگر وجدان بیدار در کار باشد، مردم فریبی، در حقیقت خود فریبی است، چه گفته اند:

" همه را میتوان برای منتهی فریب داد، عده ای را هم میتوان برای همیشه فریفت، اما همه را برای همیشه نمیتوان فریب داد."

یار زنده و صحبت باقی